

اصول و شیوه‌های مؤثر در ارتباط والدین و فرزندان

زهرا امیرحسینی*

چکیده

از آنجا که خانواده مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد تربیتی جامعه است، باید سالم باشد. خانواده سالم، خانواده‌ای است که میان اعضای آن به ویژه والدین و فرزندان رابطه درستی حاکم باشد. برای رسیدن به رابطه انسانی سالم، اصول و شیوه‌هایی وجود دارد که والدین باید دانایی و مهارت لازم را داشته باشند تا بتوانند با این اصول پیوند روحی و فکری با اعضای خانواده برقرار نموده، نقش تربیتی خود را اعمال نمایند.

این مقاله با هدف تبیین اصول و شیوه‌های مؤثر ارتباط با فرزندان ضمن اشاره به انواع ارتباطات (کلامی و رفتاری) به اصول حاکم بر ارتباط موفق می‌پردازد؛ زیرا تحقیقات نشان داده است عدم هماهنگی پیام‌های کلامی و غیر کلامی می‌تواند مانع ارتباط روشن و مؤثر بین افراد شود. اصولی همچون؛ اصل دانایی، اصل آشناسازی با واقعیت‌ها، اصل احساسات و ایجاد امنیت روانی، اصل اعتدال، اصل تعدیل انتظارات و... از جمله اصولی است که در این مقاله با توجه به آیات و روایات مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

نتیجه تحقیق مزبور نشان می‌دهد والدین باید از شیوه‌ها و راهکارهای مناسب در برقراری ارتباط با فرزندان آگاهی داشته باشند. برای مثال در دوران کودکی با محبت کردن، بازی کردن و... می‌توان به کودک شخصیت داد و با ایجاد امنیت روحی و روانی ارتباط مؤثری با او برقرار کرد، در حالی که در دوران نوجوانی وضع به گونه‌ای دیگر است و با ایجاد عزت نفس، تقویت اعتماد به نفس و... می‌توان زمینه‌های رشد و کمال نوجوان را فراهم نمود و راه ارتباط با او را فراهم کرد.

کلیدواژه: اصول، شیوه، مؤثر، ارتباط، والدین، فرزندان.

* دانش‌آموخته سطح 2، جامعه الزهرا(س).

مقدمه

فرزند، محصول زندگی مشترک پدر و مادر است؛ پدر و مادری که بر اساس پیوند ازدواج در کنار هم قرار گرفته‌اند و کانون پر مهر و محبت خانواده را تشکیل داده‌اند که از نگاه اسلام محبوب‌ترین بنیاد و بنیان اجتماعی است.

سلامت، استحکام و اقتدار عاطفی و منطقی خانواده در گرو برخورداری اعضا از بصیرت و بینش اجتماعی و آگاهی‌های لازم برای سازندگی و پیشگیری از درگیری، تضاد و کج‌روی است.

خانواده‌های لجام گسیخته و متزلزل، جامعه‌ای بی‌سامان را پدید می‌آورند که در آن، نشانی از خانواده سالم یافت نمی‌شود؛ میزان طلاق روزبه‌روز افزایش می‌یابد و به فروپاشی نظام خانواده می‌انجامد.

برخی از پدران و مادران درباره مهارت اداره خانواده آموزش ندیده‌اند. میانگین زمان برقراری ارتباط کلامی همسران با یکدیگر و کودکان بسیار ناچیز و کم است و همین، سبب سردی فضای خانواده و قطع ارتباط عاطفی شده است.

در این پژوهش انواع روابط و مهم‌ترین اصولی که می‌تواند باعث برقراری ارتباط موفق و سالم بین فرزندان و والدین باشد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پایان نیز به بیان بعضی از شیوه‌های مهم ارتباط مؤثر والدین و فرزندان پرداخته می‌شود.

گونه‌های ارتباط

ساختار ارتباط به ساختارهای کلامی و رفتاری تقسیم می‌شود.

الف) ارتباط کلامی

زبان، مهم‌ترین عامل ارتباطی انسان و کلام ساده‌ترین و کاربردی‌ترین وسیله تبادل و



تفاهم انسان‌ها به شمار می‌رود. کلمه و کلام، بار ارزشی و مفهومی ویژه را در ذهن و روان شنونده ایجاد می‌کند و چه بسا او را به سوی تعبیر و تفاسیر درست یا نادرست سوق دهد که ممکن است نظر گوینده نیز بر آن نبوده است.¹

بسیاری از ارتباط‌های انسانی از طریق گفت و گو، شکل می‌گیرد. در میان گونه‌های ارتباط، گفت و گو جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. در پژوهش‌ها مشخص شده است که در جامعه ما 85% ارتباط افراد از طریق حرف زدن و گوش دادن (گفت‌وشنود) و 15% از راه خواندن و نوشتن است. پس واژه‌ها و کلمات، نقش ویژه‌ای را در نقل و انتقال مفاهیم و احساسات انسان‌ها دارند.² با داد و ستد کلمات، اهداف و نیت‌ها آشکار می‌شود و به فرموده امیر مؤمنان حضرت علی %: «المرء مخبوءٌ تحت لسانه»³ مرد، در زیر زبان خود پنهان است (تا سخن نگوید شناخته نشود).

خداوند، بشر را به ابزار و امکانات لازم و کافی برای ارتباط گفتاری مجهز ساخته است تا انسان‌ها به آسانی خواسته‌ها، تجربه‌ها و آرمان‌های خود را به یکدیگر انتقال دهند. از سوی دیگر، زبان، پژوهش واک اندیشه است؛ به این معنی که اندیشه نارسا به گفتار ناتمام و نارسا می‌انجامد. از این رو، امام علی % فرموده: «لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحق وراء لسانه»⁴ زبان خردمند به دنبال اندیشه و تدبیر او به حرکت درمی‌آید، حال آنکه اندیشه و تدبیر انسان بی‌خرد، پس از زبانش به کار می‌آید؛ یعنی انسان نادان، ابتدا سخن می‌گوید و سپس به این اشتباه می‌اندیشد.

ب) ارتباط غیر کلامی

ارتباط غیر کلامی، برخی از رفتار نشان‌دار و بی‌نشان و یا مهمل، بامعنا و مهم به نظر می‌رسند. پیام‌های غیر کلامی، چهار گونه‌اند: حرکات وضعی بدن، غیر کلامی حرکتی، غیر کلامی اشاره‌ای و غیر کلامی چهره‌ای.

در ارتباط والدین با فرزندان، چهره با مخاطب سخن می‌گوید. حالات چهره فرد

انعکاسی از اوضاع و احوال درونی او است. واکنش افراد نسبت به رفتار دیگران، در حالات چهره نمایان می‌شود؛ چهره شاد و خندان، چهره غمگین، چهره آراسته و پیراسته، چهره درهم و آشفته، در شکل برقراری ارتباط مثبت یا منفی تأثیر دارد.⁵ رسول اکرم **9** می‌فرماید: «ألق أخاك بوجه منبسط؛⁶ برادرت را با روی گشاده و چهره باز ملاقات کن».

حالات چهره، تفسیر اوضاع و اسرار درونی انسان است؛ همان‌گونه که گفتار انسان، تا حد زیادی، بیانگر وضعیت روانی و شخصیتی او می‌باشد. حضرت علی **6** می‌فرماید: «ما اضر احد شیئا الا ظهر فی فلتات لسانه و صفحات وجهه؛⁷ هیچ‌کس مطلبی را در دل پنهان نکرد، مگر اینکه در لغزش‌های زبان و رنگ‌به‌رنگ شدن صورتش ظاهر گردد».

برنارد گونتر⁸ ارتباط غیر کلامی را این‌گونه برمی‌شمارد: دست‌دادن، وضعیت، حالت صورت، ظاهر، تن صدا، انواع آرایش، لباس‌ها، حالت چشم‌ها، لبخند، فاصله دو طرف از هم، نفس کشیدن با اعتماد، چگونگی گوش دادن، روش حرکت، حالت ایستادن و نحوه لمس کردن دیگران.⁹ البته کلام و گفتار، فقط بخشی از جریان ارتباط و تبادل نظر با دیگران است. انسان‌ها در هر سنی، افکار، نگرش و معانی مختلف را بیشتر با حرکات چهره، آهنگ صدا، طرز نگاه کردن و مجموعه رفتار غیر کلامی که نام برده شد، منتقل می‌سازند. رفتار غیر کلامی در ارتباط با کودکان، نیرومندتر و مؤثرتر از کلمات است؛ زیرا آنان هنوز پیچیدگی و رموز ارتباط کلامی را به خوبی نمی‌دانند.¹⁰ اگر از این ارتباط کلامی و غیر کلامی درست و اصولی بهره‌گیری شود، ارتباطی سالم و مؤثر بین والدین و فرزندان برقرار می‌شود.

ج) ارتباط همزمان کلامی و غیر کلامی

برای تأثیر، رسایی، اعتبار و کاربرد بیشتر ارتباط، می‌توان این دو نوع ارتباط را با هم به کار برد. در گونه سوم که رایج‌ترین آن است، زبان گفتاری با زبان بدنی یا رفتاری،



هماهنگ به کار گرفته می‌شود تا منظور گوینده بهتر و کامل‌تر ادا و تفهیم گردد. تعامل ارتباط کلامی - غیر کلامی، به شکل طبیعی و بدون صرف زمان اضافی و تدبیر پیشین صورت می‌پذیرد؛ کافی است انسان از دوران کودکی، نمادهای گفتاری و رفتاری مناسب را از پدر و مادر و دیگران فراگیرد و آنها را در جای مناسب با هم منطبق کند.¹¹ ناهماهنگی پیام‌های کلامی و غیر کلامی، مانع ارتباط روشن و مؤثر بین افراد می‌شود. گاهی از سوی فرستنده، پیام‌های متعارض و دو سطحی ارسال می‌شود، مانند زمانی که با زبان، کلامی گفته می‌شود و همزمان، از طریق حرکات بدن یا چهره، پیامی مخالف آن ارسال می‌شود.¹² بنابراین باید از تعامل درست این دو ارتباط، ارتباط سالم و سازنده‌ای به وجود آورد.

اصول برقراری ارتباط موفق

چرا والدین به آموزش نیاز دارند؟ پزشک، قاضی، معلم و باغبان «توانا»، باید «دانایی» و «آمادگی» لازم را نیز کسب کنند. قرآن کریم به روشنی این مطلب را می‌فرماید: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون؟»¹³ آیا آنان که می‌دانند با آنان که نمی‌دانند برابرند؟ بدیهی است که این‌گونه نیست. دانایی از دانش سرچشمه می‌گیرد و دانش با مطالعه کتاب‌های مربوط به دست می‌آید.

هیچ پدر و مادری خودبه‌خود، پدر و مادر موفق و توانایی نیست، مگر دانایی‌های ضروری را کسب کند. علت شکست انسان در تعلیم و تربیت، نداشتن شناخت نسبت به خود و نسبت به کودک است. دعوت قرآن مجید به تفکر، تعقل و تفقه، نشانه اهمیت و ضرورت شناخت است. در ارتباط با کودک نیز دانایی و آگاهی از ویژگی‌های روانی، رفتاری و عاطفی، توانایی تربیت را به مربی می‌بخشد.

عصر کنونی، عصر اقتدار علمی است. هیچ‌کس مادر یا پدر توانا و دانا خلق نشده است. فرزندپروری و کودک‌داری و ارتباط صحیح و سالم با او، مانند سایر فعالیت‌ها

نیاز به آموزش دارد. روش دیگر به دست آوردن آگاهی، مشورت با پدران و مادران موفق است. با بهره‌گیری از راهنمایی و تجربه آنها، می‌توان به موفقیت رسید.¹⁴

الف) آشناسازی فرزند با واقعیت‌ها

با کودک باید دوست بود و او را کم‌وبیش با واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی و خانوادگی آشنا کرد. کودک باید به تدریج با تلخ و شیرین زندگی آشنا شود. برای مثال نوجوانی، دوچرخه می‌خواهد. پدر و مادر نباید بی‌دلیل با تقاضای او مخالفت کنند و بگویند: «صلاح نیست یا نمی‌توانم». نوجوان، دلیل می‌خواهد و می‌پرسد چرا صلاح نیست؟ چرا نمی‌توانی؟ باید با صمیمیت با او سخن گفت و درآمدها و هزینه‌های زندگی را برای او تشریح کرد تا متقاعد شود.

از سوی دیگر کودک و نوجوان، باید صبر کردن را بیاموزد. پس نباید هرچه خواست، بی‌درنگ در اختیارش قرار داد. او باید بیاموزد که صبر کند و موانع را بشناسد و با ناملایمت‌ها دست‌وپنجه نرم کند.¹⁵

برای آشنایی با واقعیت‌ها، کودک باید در دنیای واقعی و در محیط طبیعی آموزش ببیند و تربیت شود. در این مورد جمله معروفی است که می‌گوید: «گل‌هایی که در گلخانه پرورش می‌یابند زود پریز می‌شوند»؛ یعنی تعلیم و تربیت در دنیای واقعی و طبیعی صورت گیرد نه در دنیای محصور و غیر واقعی. زمانی که فرزند در قرنطینه تربیت شود از واقعیت‌ها دور می‌شود و آمادگی برخورد با مسایل سخت زندگی را نخواهد داشت.¹⁶

ب) برقراری ارتباط عاطفی و کلامی

پژوهش‌ها نشان داده است که هرچه ارتباط کلامی و پیوند عاطفی بین اعضای خانواده بیشتر باشد، روابط اعضای آن، سالم‌تر و محکم‌تر است. بنا بر توصیه روان‌شناسان، در هر فرصتی که دست می‌دهد باید با فرزندان صحبت شود و با او در فضایی محبت‌آمیز، محرمانه و صمیمانه، ارتباط کلامی و عاطفی برقرار شود؛ فضایی ایجاد



شود که کودک، اعتماد کند و بتواند آزادانه و در خلوت با پدر و مادر راز و نیاز کند و از نگرانی‌ها، علاقه‌ها، خواسته‌ها، احساسات و مسایل و مشکلات خود سخن بگوید. پدر و مادر نیز باید به صحبت‌های کودک خوب گوش کنند¹⁷ و واکنش‌های مناسب نشان دهند تا موجب تخلیه احساسی، آرامش روانی و کاهش فشار روحی وی شود.¹⁸ گاهی نیز لازم است کودک را در آغوش گرفت و به خود چسباند تا گرمای بدن پدر و مادر را احساس کند و یا دست او را در دست نگه داشت. مجموعه این نوع ارتباط عاطفی و کلامی موجب می‌شود کودک در خانواده احساس امنیت روانی کند و حرف‌های دلش را با اعضا و به ویژه با پدر و مادر در میان بگذارد.¹⁹

ج) ایجاد احساس امنیت روانی

از نظر روان‌شناسی، نخستین شرط تأمین سلامت روانی کودک و نوجوان، احساس امنیت روانی است. تعلیم و تربیت بدون احساس آرامش و امنیت، بی‌اثر خواهد بود. رفتارهایی چون عیب‌جویی، لجاجت، سرزنش، داد و فریاد، تنبیه بدنی، بددهنی و مشاجره با کودک، موجب می‌شود کودک احساس ناامنی کند و دچار اضطراب شود. این روش‌ها رابطه والدین با فرزندان را مخدوش می‌سازد. افزون بر آن موجب می‌شود احترام متقابل بین آنان از بین برود و والدین اقتدار خود را از دست بدهند.²⁰

نتایج احساس امنیت روانی در کودک

1. خود را پذیرفته و قبول دارد؛
2. به خود و دیگران اعتماد دارد؛
3. مسئولیت رفتار خود را پذیرفته و دیگران را مقصر نمی‌داند؛
4. تصمیم گیرنده، مستقل و خلاق است؛
5. اراده‌ای راسخ دارد و راهنمای درونی، هدایتش می‌کند؛
6. احساس آرامش درونی و خودارزشمندی می‌کند.

پیامدهای احساس ناامنی روانی در کودک

1. بهانه‌گیری می‌کند، خطاهای خود را نمی‌پذیرد و آنها را به عهده دیگران می‌گذارد؛
 2. اعتماد به نفس ندارد و در پذیرش خود مشکل دارد؛
 3. به دیگران اعتماد نمی‌کند و نمی‌تواند با آنان ارتباط برقرار کند؛
 4. متکی و وابسته می‌شود و از دیگران کوکورانانه پیروی می‌کند.²¹
- بنا بر آنچه گفته شد، رشد متعادل و سالم، با احساس امنیت روانی تحقق می‌یابد و امنیت روانی به دنبال تأمین نیازهای واقعی کودک و نوجوان حاصل می‌شود.

د) اعتدال

برخی از والدین در برخورد با کودکان بیش از حد سختگیری می‌کنند؛ فرد مستبد که بیشتر، پدر است، تصمیم‌گیرنده و تعیین‌کننده وظایف دیگر اعضای خانواده است و آنچه مطابق میل اوست، باید اجرا شود.

فرزندان این خانواده‌ها کمتر به خود متکی‌اند، خلاقیت کمی دارند و کنجکاو نیستند، در مسائل اخلاقی، عاطفی، ذهنی نیز انعطاف پذیرند و زود از دیگران تأثیر می‌گیرند.²² امام علی % می‌فرماید: «لا تقسروا اولادکم علی آدابکم، فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم»²³ آداب و رسوم خود را بر فرزندان به زور تحمیل نکنید؛ زیرا آنها برای زمانی غیر از زمان شما خلق شده‌اند.

برخی والدین نیز بیش از اندازه سهل‌گیرند و به اصطلاح، کاری به کار فرزندان خود ندارند و آنها را آزاد می‌گذارند. در این خانواده‌ها، قوانین بسیار محدودی وجود دارد و افراد، چندان به اجرای قوانین پایبند نیستند؛ هر کس هر کاری می‌تواند انجام دهد و دخالت در کارهای دیگران معنا ندارد.

هر چند کودکان این خانواده‌ها استقلال فکری و عملی دارند، به سبب هرج و مرج، نوعی تزلزل روحی در آنان دیده می‌شود که باعث بی‌قیدی کودکان می‌گردد؛ به گونه‌ای که احساس مسئولیت در زندگی را از دست می‌دهند. در نتیجه، این کودکان



توانایی زندگی اجتماعی را ندارند و در جامعه بزرگ‌تر، همیشه با مشکلات اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌شوند.²⁴ امام حسن عسکری % در این باره می‌فرماید: «جرأة الوالد علی والدہ فی صغره تدعو الی العقوق فی کبره»؛²⁵ جرأت و جسارت فرزند در دوران کودکی نسبت به پدر، نارضایتی پدر را در بزرگسالی به دنبال خواهد داشت». این شیوه‌های تربیتی افراطی یا تفریطی، نادرست و اشتباه است. با کودک باید بر اساس اصل اعتدال رفتار کرد.

افراط در محبت بیش از حد به کودک، وابستگی زیاد و تفریط در محبت به کودک، ناامنی روانی او را در پی خواهد داشت. در پی محبت افراطی «کودک سالاری» حاکم می‌شود. گاهی این تصور وجود دارد که محبت به کودک، او را «گستاخ» می‌کند و کودک را باید در خواب بوسید و در بیداری او را مورد غفلت و بی‌توجهی قرار داد.²⁶ هیچ‌یک از این دو روش، صحیح نیست و باید در هرگونه ارتباطی با کودک، اعتدال را رعایت نمود.

هـ) پذیرش و احترام دوسویه

محترم شمردن کودک و نوجوان، احترام به حقوق و شخصیت او، پذیرش او همان‌گونه که هست، عشق ورزیدن و توجه به نیازهای او، از مهم‌ترین اصول برقراری رابطه انسانی است.

کودک یا نوجوان را باید همان‌طور که هست، پذیرفت. احترام به کودک یا نوجوان، نشانه دوست داشتن او است. فعالانه گوش دادن به حرف‌های کودک، توجه به نیازهای او، فراهم کردن فرصت‌هایی برای ابراز وجود، اظهار نظر و تصمیم‌گیری، اجازه ندادن به دیگران برای تمسخر کودک و... نمودهای رعایت احترام کودک است. با به‌کارگیری این نکات، کودک احساس اعتماد به نفس می‌کند و از زندگی لذت می‌برد. در نتیجه تصویری واقعی و مثبت از خود به دست می‌آورد و بااطمینان به مدرسه قدم می‌گذارد و با همسالان خود رابطه برقرار می‌کند.²⁷

نکته دیگر، این است که احترام گذاشتن، امری دوسویه است. در آغاز رابطه سالم و با نشاط، مادر و پدر به کودک احترام می‌گذارند و کودک می‌آموزد که او هم به پدر و مادر احترام بگذارد.²⁸ پدر و مادر، در تمام دین‌های آسمانی و مکتب‌های غیر الهی، مورد احترام و تکریم‌اند. در قرآن کریم، احترام به پدر و مادر، در کنار اطاعت پروردگار آورده شده: «و قُضِيَ رُبُّكَ الْآلَاءَ تَعْبُدُوا إِلَّا آيَةً وَالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا...»²⁹ و خدای تو حکم فرموده که جز او هیچ کس را نپرستید و درباره پدر و مادر نیکویی کنید...». این آیه بیانگر برتری و تقدم حق پدر و مادر بر دیگر حقوق است.

دختران و پسران جوان امروز، مادران و پدران فردای اجتماع‌اند. اگر امروز وظیفه احترام به والدین خود را رعایت کنند و در رفتار، این سنت الهی را حفظ کنند، فردا خود مورد تکریم فرزندان واقع می‌شوند و از این نعمت، بهره‌مند می‌شوند. امام صادق % فرمود: «بِرَّوَا آبَائِكُمْ تَبَرَّكُمُ ابْنَاتِكُمْ»³⁰ به پدران خود نیکی کنید تا فرزندان شما هم به این سنت مقدس عمل و به شما نیکی کنند.

اصل پذیرش و احترام متقابل، بیانگر این حقیقت است که اگر کودک در خانواده تحقیر و مورد تمسخر واقع گردد، می‌آموزد که خود را حقیر بشمارد. در مقابل، اگر کودک در خانواده پذیرفته شود و مورد احترام قرار گیرد، یاد می‌گیرد که خود را همان‌گونه که هست بپذیرد و خود را انسانی با ارزش تصور کند و به پدر و مادر احترام بگذارد.

و) تشویق و تأیید کردن

در اصطلاح روان‌شناسی، اگر رفتار مطلوبی با نتیجه یا پیامد خوشایندی همراه شود، آن را «تقویت مثبت» می‌نامند که نتیجه آن، تقویت و استمرار آن رفتار است. با توجه به این حقیقت که «انسان، موجودی تشویق‌طلب و تنبیه‌گریز است» و ارزش تشویق، تأیید، محبت و پاداش را درک می‌کند، استفاده از تشویق و محبت، بهترین راه ایجاد، استمرار، تقویت و گسترش رفتارهای مطلوب کودک است.³¹



استفاده از روش‌های نامطلوب به انجام رفتارهای مطلوب نخواهد انجامید. بنابراین استفاده از تنبیه بدنی، سرزنش کردن، خجالت دادن، نفرین کردن، دشنام دادن و مانند آن، به اصلاح رفتار کودک یا نوجوان کمک نمی‌کند.³²

با بیان رفتارهای کودک نزد دیگران، به ویژه دوستان او و کسانی که مورد احترام اویند، او تشویق می‌شود، ولی رفتارهای نادرستش را در خلوت، محرمانه و صمیمانه یادآور شده و علت بروز این رفتارها را جویا شوید تا کم‌کم کودک، رشد فکری کند و خود بتواند به تحلیل و علت‌یابی رفتارهایش پردازد. تشویق رفتارهای خوب کودک، او را تشویق می‌کند که با خودسنجی و خودارزیابی، احساس خودارزشمندی کند و به خود اعتماد پیدا کند.³³

تشویق به صورت‌های گوناگون صورت می‌گیرد؛ گاهی با تشکر از کودک و اظهار رضایت نمودن از کار او یا نگاه محبت‌آمیز به او و نوازش، گاهی تعریف از او نزد دیگران و تأیید و ستایش رفتار او، گاهی نیز دادن پاداش یا جایزه.³⁴ روش‌های دیگری نیز برای تشویق کودک وجود دارد، مانند مسئولیت سپردن، پاسخ دادن به تلفن، اضافه کردن زمان بازی، دیدن فیلم مورد علاقه، رفتن به پارک و مهمانی رفتن و... با تقویت‌کننده‌های کلامی نیز می‌توان کودک را تشویق کرد؛ گفتن آفرین، خیلی خوب، کاری که کردی مرا خوشحال کرد، تو موجب افتخار منی و... باید به کودک و نوجوان کمک کرد تا ارتباط میان دریافت پاداش و رفتارش را بفهمد و بداند نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود.³⁵

تحسین کودک روشی مؤثر در بهبود و اصلاح رفتار و مهارت‌های اوست. تشویق و تحسین باید به موقع، به اقتضای شرایط سنی و در مقابل عمل مثبت و مطلوب مورد استفاده قرار گیرد تا کارآیی لازم را داشته باشد و با آن رفتار مناسب، مرتبط بنماید. در غیر این صورت، کودک معیار منطقی برای سنجش پیشرفت خود را در اختیار نخواهد داشت.³⁶



ز) تعدیل انتظارها به میزان توان فرزند

روان‌شناسی، کودک را در هر مرحله از رشد، دارای توانایی‌ها و ویژگی‌های ویژه‌ای می‌داند. از این رو، باید انتظارات خود را به نسبت توان او تعدیل کرد و به اندازه توان، از او رفتارهای ویژه‌ای خواست. قرآن کریم می‌فرماید: «لایکلف الله نفسا آلا وسعها»³⁷ خداوند، هیچ‌کس را تکلیف نکند، مگر به قدر توانایی او».

گاه پدر و مادر در مورد توانایی‌های کودک خود، دچار اشتباه می‌شوند که طبیعی است، ولی انتظار متناقض یا نابهنگام از کودک، در او احساس ناتوانی ایجاد می‌کند. اگر کودک، جلوتر از ساعت‌های درونی‌اش رانده شود، در موقعیت شکست‌های پی‌درپی قرار می‌گیرد و چون هر شکست باعث شکست دیگر می‌شود، چنین کودکانی به حواشی زندگی رانده می‌شوند.

در مقابل، اگر کودک احساس کند که اولیای او، شرکای اویند؛ یعنی با برنامه‌های رشد او همگام‌اند، کیفیت شخصیتی «من می‌توانم» در کودک ایجاد می‌شود.³⁸

ح) رازداری

رعایت اصل رازداری مهم‌ترین عامل ایجاد رابطه انسانی و جلب اعتماد بین دو نفر است. پدر و مادر باید تلاش کنند با ایجاد فضای اطمینان‌بخش، رازدار و محرم اسرار فرزند خود باشند. گاهی به مادران توصیه می‌شود راز یا حرف محرمانه فرزند را که به شما گفته، بدون کسب موافقت او با پدر نیز در میان نگذارند. خداوند، «ستار العیوب» است و والدین نیز باید همین‌گونه باشند.

رازداری، شاخص ارزیابی پدر و مادر است تا رفتار خود را بررسی کنند و ببینند فرزندشان به چه میزان آنها را محرم راز خود می‌داند. میان خواهران و برادران به صورت طبیعی، زمینه حسادت وجود دارد، ولی پدر و مادر با شیوه رفتار خود، موجب کاهش یا افزایش حس حسادت می‌شوند. جوهره رابطه انسانی، اعتماد متقابل است و اساس اعتماد، با رازداری ایجاد می‌شود.



ط) قاطعیت و جدیت

بیشتر والدین یا قاطع‌اند یا مهربان و شمار کمی از آنان، همزمان قاطع و مهربان‌اند. منظور از قاطعیت، محکم، جدی و استوار بودن در نظر و تصمیم است. اگر اصولی چون محبت، صمیمیت، تکریم شخصیت و... با قاطعیت همراه نباشد، نتیجه لازم از آنها گرفته نمی‌شود. ³⁹ تُن صدا، نشان‌دهنده تمایل شما به قاطع بودن و مهربان بودن است.

نکته مهم این بحث این است که نباید قاطعیت را با خشونت اشتباه گرفت. به همان اندازه که خشونت، از ضعف روحی و اخلاقی سرچشمه می‌گیرد، قاطعیت، جدیت و داشتن قدرت تصمیم‌گیری، قدرت روحی و امتیازی اخلاقی است که اگر با عوامل دیگری چون نرم‌خویی، صمیمیت، سعه صدر و روشن‌بینی همراه شود، آثار بسیار مفید و سازنده‌ای در تربیت برجای می‌گذارد.

لازمه تربیت این است که گاهی باید با قاطعیت در برابر کار خلاف یا خیره‌سری فرزند ایستاد و او را از آن کار باز داشت تا همواره این احساس در فرزند وجود داشته باشد که به حال خود رها نشده و باید اصول خانواده را محترم بشمارد و در هماهنگی ساختن خود با آنها بکوشد. ⁴⁰

ی) هماهنگی عوامل تربیتی

در نظام تعلیم و تربیت، میان کلیه عوامل تربیتی و تعلیمی باید هم‌دلی، هم‌فکری، همکاری و هماهنگی وجود داشته باشد. اگر پدر و مادر در مورد تربیت کودک، هم‌نظر باشند، کودک ثبات عاطفی، احساس امنیت روانی، شخصیت سالم و متعادل خواهد داشت.

اگر این هماهنگی وجود نداشته باشد، پیامدهای جبران‌ناپذیری حاصل خواهد شد و کودک به ناپایداری و دوگانگی شخصیت، ناتوانی در تصمیم‌گیری، نداشتن اعتماد به نفس، تزلزل ارزش‌ها و آسیب‌پذیری فرهنگی دچار می‌شود. ⁴¹ از این رو، پدر و

مادر باید با بررسی‌های کافی و مشاوره با صاحب‌نظران، با شیوه‌های صحیح تربیتی آشنا شوند و روزبه‌روز بر روشن‌بینی خود در این زمینه بیفزایند. اگر وحدت نظر پدر و مادر از بین برود، کودک پیش مادر از پدر شکایت می‌کند و پیش پدر از مادر بد می‌گوید. او در این وضعیت ریاکار و منافق می‌شود و به چندگانگی شخصیت مبتلا می‌گردد.⁴²

ک) عملگرایی

اصل عامل بودن، مهم‌ترین اصل در برقراری رابطه با کودک است؛ زیرا کودک با سرمشق‌گیری و الگوبرداری یاد می‌گیرد و رفتار می‌کند. چه بسیارند افرادی که درباره فضایل اخلاقی داد سخن می‌دهند، ولی برخلاف آن عمل می‌کنند. این حالت موجب بیماری «گسیختگی شخصیتی» می‌شود. قرآن مجید این بیماری را که در همه اقشار دیده می‌شود، تهدیدی برای ایمان انسان می‌داند و همگان را از آن بر حذر می‌دارد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ.⁴³

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نکنید!

دوگانگی در گفتار و رفتار پدر و مادر، سبب بی‌اعتمادی کودک به آموزش‌های آنان می‌شود و اثر زیان‌بارتر اینکه کودک، دانستن و عمل نکردن را از پدر و مادر فرامی‌گیرد و درس چند شخصیتی بودن را فرامی‌گیرد. کودک بیش از آنچه می‌شنود، می‌بیند؛ زیرا به ویژه در مسائل اخلاقی، بیش از گوش، از چشم خود استفاده می‌کند. پس باید میان دیده‌ها و شنیده‌های او هماهنگی ایجاد کرد تا آشفته‌گی در ذهن او به وجود نیاید.⁴⁴



برقراری ارتباط با کودکان

الف) محبت و عدالت

اساس ارتباط سالم، محبت کردن، دوست داشتن و مبادله مهر و عطوفت است. نگاه محبت آمیز معجزه می کند و رفتار کودک یا نوجوان را هم سو با اهداف محبت کننده، تغییر می دهد. پدر و مادر باید محبت خود را به صورت مساوی میان فرزندان تقسیم کنند. پیامبر اکرم 9 می فرماید: «إعدلوا بین اولادکم فی السر كما تحبون ان یعدلوا بینکم فی البر و اللطف»⁴⁵ بین فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همان طور که مایلید بین شما به عدل رفتار کنند».

محبت، تقویت کننده ای مثبت است، ولی باید در مورد زمان، مکان، میزان و چگونگی استفاده از آن دقت کرد. روش و میزان محبت باید با سن و سایر ویژگی های فرد، تناسب داشته باشد. اگر کودک، در دوران رشد به قدر کافی دوست داشته شود، یاد می گیرد خود و دیگران را دوست بدارد. در محبت نباید افراط و تفریط کرد؛ زیرا از سویی دور کردن از خود و وابستگی به دیگران را به دنبال دارد.⁴⁶ از سوی دیگر کودک، پرتوقع، لوس و از خود راضی تربیت می شود. فرزندان که بیش از اندازه مورد محبت والدین قرار می گیرند، از دیگران نیز توقع محبت های آنچنانی را دارند و زمانی که وارد جامعه می شوند، چون انتظار آنها برآورده نمی شود، سرخورده، مأیوس و افسرده می شوند.⁴⁷

ب) بازی با کودک

بازی، نیاز طبیعی کودک است و بدون آن، کودک رشد سالمی نخواهد داشت. از سه یا چهار سالگی کودک به تدریج به بازی های گروهی و اجتماعی روی می آورد؛ در این بازی ها، کودک رفتار با دیگران را تمرین می کند و با اصول زندگی جمعی آشنا می شود. بازی، حس کنجکاوی، ابتکار و خلاقیت کودک را برمی انگیزد و به رشد

ذهنی او کمک می‌کند. نقش‌هایی که کودکان در بازی بر عهده می‌گیرند و رفتارهای آنها در این هنگام، نشان‌دهنده عوالم درونی آنهاست.

کودکانی که از توجه کافی در خانواده برخوردار نیستند یا مورد تبعیض واقع شده‌اند و کودکانی که احساس امنیت نمی‌کنند یا مورد تنبیه زیاد قرار می‌گیرند، حالت اضطراب و احساس تنهایی را در بازی نشان می‌دهند که باید برای رفع آن کوشید.⁴⁸ والدین و مربیان باید در بازی کودکان شرکت کنند و با آنها هم‌بازی شوند؛ زیرا بسیاری از فواید بازی کودکان، از این راه به دست می‌آید. در آموزه‌های اسلامی سفارش‌های زیادی در این زمینه وجود دارد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «من کان له ولد صبا؛⁴⁹ کسی که فرزندی دارد، با او کودکی کند؛ یعنی در بازی با کودک بکوشد خود را تا حد کودک پایین بیاورد. در این صورت، کودک هم از بازی لذت می‌برد و از همراهی پدر و مادر احساس صمیمیت می‌کند و هم از هدایت‌ها و راهنمایی‌های آنها تأثیر می‌پذیرد. افزون بر این، اعتماد به نفس و احساس ارزشمندی در کودک تقویت می‌شود.

پیامبر اسلام ﷺ به پدران و مربیان گوشزد می‌نماید که اگر در فرزند خود جنبش غیر عادی و به اصطلاح «شیطنت» دیدند، از او ناامید نگردند؛ زیرا ممکن است این حالت، منجر به اخلاق فاضله او در بزرگسالی شود.

امام موسی بن جعفر ؑ نیز می‌فرماید: «تستحب غرامة الصبی فی صغره لیكون حلیمافی کبره؛⁵⁰ شایسته است که کودک در خردسالی بازیگوش باشد تا در بزرگسالی حلیم و بردبار باشد». در کودکی باید روحیه ستیزه‌جویی و جنگجویی، ترس‌ها و تردیدهای انسان با بازی ارضا شود تا در بزرگسالی حلیم باشد.⁵¹

ج) سلام کردن به کودک

یکی از راه‌های شخصیت‌دادن و ایجاد ارتباط، سلام کردن به کودکان است. کودکی که به او سلام کنند و این‌گونه به او احترام گذارند، شایستگی خود را نزد دیگران باور



می‌کند. از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری رسول اکرم 9 اهمیت به سلام کردن بود. این شهر آشوب می‌نویسد: «و بیدو من لقیه بالسَّلام»⁵² به هر کس برخورد می‌کرد، در سلام کردن بر او سبقت می‌جست».

پیامبر اکرم 9 در این باره می‌فرماید:

خمس ادعُهنَّ حتی الممات... و التسليم علی الصبيان لتكون سنَّة من بعدی.⁵³
پنج خصلت را تا هنگام مرگ ترک نخواهم کرد... و از جمله آنها سلام کردن بر کودکان تا پس از من روش عمومی باشد و به عنوان سنت اسلامی، مردم به آن رفتار کنند.

هنگامی که کودکی مخاطب سلام بزرگ‌ترها به ویژه آنها که در نزد او ارزش و اعتبار معنوی دارند، قرار می‌گیرد، احساس خود ارزشمندی می‌کند⁵⁴ که یکی از راه‌های موفقیت کودکان در مراحل بالاتر زندگی است.

د) تأمین امنیت

فرزندان نباید در بروز استعداد، خلاقیت و آنچه در درون دارند، احساس ترس و نگرانی کنند؛ زیرا احساس ترس و ناامنی در کودک جرأت، جسارت و خلاقیت را از او می‌گیرد و سبب عوارض و نابسامانی‌های روانی می‌شود.⁵⁵
روزی امام سجاده% دو مرتبه غلام خود را صدا کرد، غلام پاسخی نداد. بار سوم که امام او را صدا زد، پاسخ داد. امام% فرمود: «فرزندم، آیا صدای مرا نشنیدی؟» غلام عرض کرد: «بلی، شنیدم» امام% فرمود: «پس چرا جواب ندادی؟» عرض کرد: «چون از تو در امان بودم.» امام% فرمود: «حمد و سپاس خدایی را که مملوکم را از من در امان داشت.»⁵⁶

والدین نه فقط باید موجب ترس و نگرانی کودکان را فراهم نسازند، بلکه همواره تکیه‌گاه و پشتوانه‌ای برای امنیت آنها باشند. تکیه‌گاه بودن والدین، دو جنبه دارد؛ حضور والدین و برآوردن نیازهای اولیه کودکان است و جنبه دوم با رفتار صحیح

والدین با یکدیگر و رابطه صحیح آنها با کودک محقق می‌شود.⁵⁷ جدایی والدین از یکدیگر، بزرگ‌ترین عامل ایجاد احساس ناامنی در کودک است. گاهی نیز با وجود اینکه والدین در کنار هم زندگی می‌کنند، اختلاف‌ها و مشاجره‌های آنها، امنیت کودک را تهدید می‌کند. همچنین برخوردهای نامناسب والدین با کودک و نبود محبت کافی به او می‌تواند عامل ایجاد احساس ناامنی باشد.⁵⁸

ارتباط‌گیری والدین با نوجوانان

دریچه قلب نوجوان بر روی کسی که به او محبت کند، باز است و به آسانی برای هر کس که محبت و اعتمادش را جلب کند، سفره دلش را می‌گشاید. لازم است پدر و مادر به مراحل رشد و تحولات روحی سن بلوغ آگاهی داشته باشند و با پیچیدگی‌ها و نیازهای این سن آشنا باشند. این آگاهی و آشنایی به پدر و مادر کمک می‌کند تا بهتر و آسان‌تر بتوانند راه‌های ایجاد ارتباط با نوجوان را بیابند.

زمینه برقراری ارتباط سالم و درست با نوجوان را باید از دوران کودکی فراهم ساخت. رفتار درست یا نادرست والدین در خردسالی، زمینه‌های نزدیکی یا دوری نسبت به والدین را در دوران نوجوانی فراهم می‌آورد.⁵⁹

الف) ایجاد عزت نفس و تقویت اعتمادبه‌نفس

یکی از مؤثرترین عوامل در بهبود رابطه والدین با نوجوانان، دلگرم کردن آنها و ایجاد اعتمادبه‌نفس و تقویت ارزشمندی در نوجوان است. نوجوان در خانواده‌های مستبد، ارزش خود را با تشویق و تنبیه از سوی کسانی که در موضع قدرت‌اند، پیدا می‌کند، ولی در خانواده‌های آزادمنش، این اعتمادبه‌نفس است که بر نوجوان تأثیر می‌گذارد.⁶⁰ برخوردار از اراده، اعتمادبه‌نفس قوی، قدرت تصمیم‌گیری، ابتکار، خلاقیت، سلامت فکری و بهداشت روانی، رابطه مستقیمی با میزان عزت نفس و احساس خودارزشمندی فرد دارد. بسیاری از ناهنجاری‌های شخصیتی و رفتاری کودکان و

نوجوانان مانند کم‌رویی، گوشه‌گیری، لج‌بازی، پرخاش‌گری، تنبلی، کندروی با ارزیابی و پرورش احساس عزت نفس و تقویت اعتماد به نفس، درمان می‌شود.⁶¹

ب) توجه به استقلال طلبی آنان

محوری‌ترین انگیزش دوران نوجوانی، به دست آوردن استقلال است. برای برقراری رابطه سالم و درست، باید به این موضوع توجه داشت و وسایل و امکانات مستقل شدن نوجوان را فراهم کرد. این نیروی فطری، قوی‌ترین و ریشه‌دارترین گرایش نوجوانان است. اگر چنین انگیزه‌ای در نوجوان بیدار نشود، او نمی‌تواند به رشد و کمال برسد و همواره کودک‌کی وابسته باقی می‌ماند و استعدادهایش شکوفا نمی‌شود.

برای اینکه نوجوان، تجربه استقلال نسبی را به دست آورد، باید تمهیداتی به کار بست. در مرحله اول، والدین نباید فرزندان را زیاد به خود وابسته کنند تا زمینه جداسازی تدریجی از خانواده به سهولت و آرامی فراهم شود. در بیشتر خانواده‌ها، برخورد والدین با فرزندان نخست خانواده، تک‌فرزندها یا فرزندان آخر، افراطی است و ناخودآگاه آنها را به خود وابسته می‌کنند. تعدیل در برقراری روابط والدین و فرزندان، مانع چنین رویدادهایی می‌شود.⁶² در مرحله دوم، والدین با پذیرش و احترام به استقلال نسبی نوجوان، این مرحله را برای او رضایت‌بخش و پذیرفتنی می‌کنند. در مرحله سوم، نوجوان با اثبات لیاقت و شخصیت قابل اعتماد، به این استقلال پاسخ مثبت می‌دهد و آمادگی خود را برای استقلال بیشتر اثبات می‌کند.⁶³

اگر نوجوان چنین برداشت کند که او را انسانی مستقل و بالغ نمی‌دانند، ممکن است برای ابراز وجود و نشان دادن استقلال خود، کارهای نادرستی انجام دهد تا دیگران را متوجه وجود خود سازد. گاه این واکنش به صورت سرکشی و تمرد است و نوجوان با زیر پا نهادن ارزش‌های مورد قبول خانواده و جامعه، استقلال خود را نشان می‌دهد.⁶⁴

ج) توجه بهنگام به مسائل جنسی

هنگامی که فرزندان به بلوغ می‌رسند و انگیزه جنسی در آنها بیدار می‌شود، باید با

راهنمایی به موقع، آنها را از نشانه‌های بلوغ و عوارض آن آگاه کنیم تا از اضطراب و نگرانی که به طور معمول در این دوره برای آنها پیش می‌آید، نجات یابند و آن را مسأله‌ای طبیعی بدانند. مزیت دیگر چنین رفتاری این است که از مراجعه به دوستان یا خواندن کتاب‌هایی که زیان‌های گوناگونی در پی دارد، بی‌نیاز می‌شوند.⁶⁵

با توجه به اینکه دختران چند سالی زودتر از پسران به بلوغ می‌رسند، وظیفه مادران در برابر دخترانشان حساس‌تر است. مادر باید با صمیمیت و دلسوزی در کنار دختر تازه بالغ خود حضور یابد و همواره راهنما و محرم راز وی باشد.⁶⁶

از سوی دیگر، رشد استخوان‌ها در این دوران بسیار سریع است. به همین دلیل گاه رفتار بچه‌گانه و دور از انتظاری از آنها سر می‌زند که نباید آن را به حساب بی‌دستی و پایی گذاشت. نوجوان به دلیل ترشح هورمون‌های مختلف، نمی‌تواند رفتار خود را به خوبی کنترل کند. مدتی طول می‌کشد تا مهارت و تجربه کافی را به دست آورد.⁶⁷

بنابراین، برای جلوگیری از انحراف جنسی، والدین باید به رفتار نوجوانان، نوازش نکردن نابجا و نیز به بعضی عوامل روانی مثل ترس، اضطراب، تنبیه بدنی و... توجه داشته باشند که راه برای انحراف باز نشود.

شیوه‌های ارتباط با جوانان

بیشتر خانواده‌ها، گذشت زمان و بزرگ شدن فرزندان خود را نمی‌بینند و شیوه برخورد آنان در دوره جوانی فرزند با رفتار آنان در نوجوانی تفاوتی ندارد؛ غافل از اینکه دوران اطاعت و فرمان‌بری کودکی به سر آمده و فرزند، وارد مرحله تازه‌ای شده که سومین هفت سال زندگی او است. این دوران تفاوت فاحشی با نوجوانی دارد.⁶⁸ جوانی، زمان ابهام، سردرگمی و اشتباه کاری است. پیامبر اسلام 9 می‌فرمود: «الشباب شعبة من الجنون»⁶⁹ جنون از ماده جن و به معنای پوشیدگی است. گویا دوران جوانی دارای ابهام و پوشیدگی است.

امام علی % در برشمردن مستی‌ها، یکی از آنها را مستی جوانی می‌داند و می‌فرماید:
«اصناف السكر اربعة: السكر الشباب و سكر المال و سكر النوم و سكر الملك؛⁷⁰ مستی چهار
گونه است؛ مستی جوان، مستی مال و مستی خواب و مستی سلطه و اقتدار».

الف) تکریم و شخصیت‌بخشی

تکریم منزلت و شخصیت، جوان را به میدان گسترده روابط اجتماعی و حضور مؤثر و فعال در جامعه می‌آورد و تضعیف شخصیت، او را به عقب‌نشینی و انزوا وادار می‌کند. جوان اگر احترام ببیند و تکریم شود، اعتماد می‌کند و توانش را در مسیر سالم و سازنده‌ای به کار می‌گیرد، ولی اگر از صحنه‌های فعال جامعه عقب‌رانده شود، نیرویش را در خود مصرف می‌کند.⁷¹

شخصیت آدمی مثل درختی است که وابسته به ریشه است. اگر ریشه درخت قطع یا خشک شود، درختی هم وجود نخواهد داشت. انسان نیز زندگی‌اش وابسته به شخصیت اوست که اگر آسیب ببیند، زندگی برایش بی‌معنی و مفهوم می‌شود.

جوانی که خواسته‌های شخصی‌اش سرکوب شده و در خانواده، بی‌احترامی و اهانت دیده است، ضعیف و آسیب‌پذیر است و ممکن است به ذلت‌ها و پستی‌ها تن دردهد و به آسانی، دامن خود را به ناپاکی‌ها و گناهان آلوده سازد.⁷²

با فرارسیدن جوانی، روزهای سازندگی شخصیت جوان آغاز می‌شود. پدران و مادران وظیفه‌شناس و دانا با پیروی از دستورهای مکتب اسلام، به جوان خانواده احترام می‌گذارند و او را وزیر و معاون و مشاور خود می‌دانند و از این راه، ارتباطی دوست‌داشتنی بین والدین و جوان به وجود می‌آید.

ب) پذیرش

پذیرش از سوی خانواده، نیاز مهم جوان است. او باید احساس کند که در میان خانواده‌اش موقعیتی مطلوب و پذیرفتنی دارد. برخی از خانواده‌ها، فرزند خود را چنان که شایسته است، نمی‌پذیرند و او را به صراحت یا تلویحی طرد می‌کنند.⁷³

این شیوه برخورد والدین، اساس روابط درست آنان با فرزندانشان را تهدید می‌کند و سبب تیره شدن روابط صمیمانه فرزندان (خواهران و برادران) با هم نیز خواهد شد؛ جوان مستعد پرخاشگری و ناراحتی‌های عصبی و روابط ناسالم با دیگران می‌شود. جوانی که در خانواده پذیرفته نشده، با کمترین پذیرش از سوی باندهای فساد و فحشا، به سوی آنان جذب می‌شود.⁷⁴

ج) تبادل عاطفی

تبادل عاطفی، داد و ستد عاطفی میان دو نفر در حد تعادل است. والدین در روابط عاطفی با جوانان نیز باید همچون برنامه‌های اقتصادی زندگی، طرح‌های مطمئن و متعادلی را تنظیم کنند تا باعث بیداری انگیزه‌ها و کشش‌های عاطفی میان آنها شود و نیازهای احساسی و هیجانی آنها را تأمین کند.

در پی چنین تبادلاتی، احساس امنیت، اطمینان و اعتماد جوان سیراب می‌شود و نتیجه طبیعی آن، احساس تعلق به خانواده است. پرورش روحیه خوشبینی و مثبت‌نگری در جوان از دیگر دستاوردهای این احساس امنیت است.⁷⁵

از اشتباه‌های همه‌گیر والدین این است که جوان را از تبادل عاطفی بی‌نیاز می‌دانند. آنان نمی‌دانند آدمی در همه مراحل زندگی تا هنگام مرگ، چشم‌انتظار محبت و لطف دیگران است. تفاوت مهم، دگرگون شدن جلوه محبت است؛ یعنی در هر دوره از زندگی عواطف، به شکل متفاوتی ظاهر می‌شوند. در جوانی نیز محبت، با ایجاد فرصت برای استقلال نسبی او نمود می‌یابد. والدینی که ناآگاهانه، فرزند جوان خود را از هر تجربه جدیدی باز می‌دارند و پی‌درپی او را دل‌سرد و بی‌جرات می‌کنند، نتیجه‌ای جز «ظهور بیگانگی عاطفی» نخواهد گرفت.⁷⁶

د) مشورت

والدین در این دوره باید همواره با فرزندان خود مشورت کنند. هنگامی که با جوان درباره مسأله‌ای مشورت می‌شود احساس باشخصیتی می‌کند و چون والدین او را



پذیرفته‌اند و به او اعتماد دارند، احساس غرور و خردسندی می‌نمایند.⁷⁷

والدین از پیشنهادهای صحیح جوانان استقبال کنند و اگر در پیشنهادهای آنان اشتباهی می‌بینند، با دلیل و منطق آنها را به اشتباهشان آگاه سازند. این کار باید به گونه‌ای انجام شود که به شخصیت آنها آسیب نزند و در آنها احساس ناتوانی ایجاد نکند.⁷⁸

مشورت والدین با فرزندان در تأمین سلامت و پرورش عقل و اندیشه و بهداشت روانی فرزندان و همچنین روابط صحیح و متعادل والدین با آنها نقش اساسی دارد و از شاخص‌ترین و نافذترین برنامه‌های تربیتی و از بهترین شیوه‌های ارتباط با جوانان است.

ه) زمینه‌سازی ازدواج

با پشت سر گذاشتن دوران بلوغ، تمایل جنسی به طور کامل شکفته می‌شود و دختران و پسران در فشار جاذبه نیرومند آن قرار می‌گیرند و ممکن است جوانان برای ارضای غریزه، گرفتار ناپاکی و بی‌عفتی شوند. ازدواج، بهترین وسیله طبیعی و قانونی است که می‌تواند خواهش آنان را برآورده کند و از تباهی و فساد مصونشان دارد. پیامبر اکرم 9 می‌فرماید:

ای گروه جوانان، هر یک از شما که قدرت ازدواج دارد، حتماً ازدواج کند؛ چراکه بهترین وسیله است که چشم را از نگاه‌های آلوده و خیانت‌آمیز و شخص را از بی‌عفتی و گناه محافظت می‌کند.⁷⁹

اسلام توصیه می‌کند پیش از آنکه زمینه آلودگی فراهم شود، برای پسران خود همسر انتخاب کنید و دختران خود را شوهر دهید. گاهی شرایط تحصیلی و شغلی، ازدواج در سنین پایین را مشکل می‌کند، ولی پدران و مادرانی که نسبت به حفظ عفت و سلامت جنسی فرزندان خود حساس‌اند، با هم توافق می‌کنند و با فروگذاردن بعضی از توقع‌ها، راه را برای زندگی دو زوج جوان هموار می‌سازند.⁸⁰

و) کمک به انتخاب شغل مناسب

هویت شغلی، بخش مهمی از هویت بشر است. داشتن شغلی با ارزش اجتماعی، عزت نفس را زیاد و به افزایش احساس ایمنی کمک می‌کند؛ به عکس، اگر در جامعه، اشتغال جوانان امکان‌پذیر نباشد، آنان احساس تردید و سرخوردگی می‌کنند و از عزت نفس آنها کاسته می‌شود. چه بسا دچار سردرگمی در هویت و گاه، بزهکار شوند؛ ترک تحصیل کنند و هویتی منفی پیدا کنند.⁸¹

امام موسی بن جعفر⁹ فرمود: «مردی شرفیاب محضر رسول اکرم⁹ شد و عرض کرد: فرزندم بر من چه حقی دارد؟ حضرت در پاسخ او فرمود: ... وَضَعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا؛ او را به کار خوبی بگمار.»⁸²

بعضی از جوانان در انتخاب شغل یا رشته تحصیلی، اشتباه می‌کنند و بدون توجه به شایستگی و استعداد طبیعی خویش و فقط به دلیل شوق و علاقه‌ای که در خود احساس می‌کنند، به کاری دست می‌زنند یا در رشته‌ای وارد می‌شوند که شایسته آن نیستند و بی‌دلیل عمر عزیز و نیروی خود را به رایگان از کف می‌دهند.⁸³ در این باره، رسول اکرم⁹ می‌فرماید: «اعملوا فكلّ میسرّ لما خلق له؛⁸⁴ همه شما کار کنید و کوشش نمایید، ولی متوجه باشید که هر کس برای کاری که آفریده شده، لایق‌تر است و آن را به سهولت و آسانی انجام می‌دهد.»

نتیجه‌گیری

زبان، مهم‌ترین عامل ارتباط انسانی است و کلام، ساده‌ترین و کاربردی‌ترین وسیله تبادل و تفاهم انسان‌ها به شمار می‌رود. کلمات، اهداف و نیت‌ها را آشکار می‌کند و ارتباط‌های غیر کلامی نیز شخصیت انسان‌ها را مشخص می‌کند.

والدین باید ارتباط مناسب و صمیمی با هم برقرار کنند. در غیر این صورت، ابتدا موجب خدشه‌دار شدن شخصیت خود و ایجاد رنجش عاطفی، تعارض و اختلاف با

هم خواهند شد. تشدید این عوامل، بحران را به ارتباط کودکان با یکدیگر و سایر اعضای خانواده خواهد برد که این ناهنجاری به صورت رفتارهای نابهنجار در محیط خانه و مدرسه ظاهر می‌گردد.

رسیدن به رابطه سالم، اصول و شیوه‌هایی دارد. والدین باید از دانایی‌ها و مهارت‌های لازم برخوردار باشند تا بتوانند بر اساس اصولی، پیوند روحی و فکری با فرزندان برقرار کنند و بهتر بتوانند نقش تربیتی خود را ایفا کنند.

والدین باید افزون بر دانستن اصول، از شیوه‌ها و راهکارهای مناسبی که در مقاطع سنی مختلف وجود دارد، آگاهی داشته باشند. دوران خردسالی ارتباط‌های ویژه‌ای را می‌طلبد و ارتباط در دوران نوجوانی، به گونه‌ای دیگر است.

جوانی دوران بلوغ و سازندگی و آماده‌سازی پدران و مادران فردا است. والدین، با تکریم و شخصیت‌بخشی به جوان و پذیرش او، می‌توانند ارتباط مناسب و سالم با جوان داشته باشند.

پی نوشت ها

1. سید احمد رهنمایی، آشنایی با اصول و فنون مشاوره، ص 96.
 2. رضا فرهادیان، تربیت برتر، ص 12.
 3. نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، حکمت 140، ص 1159.
 4. همان، حکمت 39، ص 1106.
 5. آشنایی با اصول و فنون مشاوره، ص 596.
 6. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 109.
 7. نهج البلاغه، حکمت 26، ص 1098.
- 8. Bernard Gunther.**
9. ادی استریت، «مشاوره خانواده».
 10. شکوه نوایی نژاد، سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، ص 39.
 11. آشنایی با اصول و فنون مشاوره، ص 107.
 12. «مشاوره خانواده».
 13. زمر: 9
 14. احمد به پزو، اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان، ص 23.
 15. همان، ص 28.
 16. همان
 17. «عَوَدَ اُذُنْكَ حَسْنُ الْاِسْتِمَاعِ؛ گوشت را به خوب شنیدن عادت بده». (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج 4، ص 329، کلمه 6234)
 18. رضا، فرهادیان، تربیت برتر، ص 55.
 19. اصول و برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان، ص 44.
 20. همان، ص 56.
 21. همان، صص 41-40.
 - 22.
 23. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 267.
 24. روان شناسی رشد، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص 874.
 25. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 489.
 26. اصول و برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان، صص 31-30.



27. همان، 48.
28. همان
29. اسراء: 23
30. محمد بن حسن الحر العاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ج 20، ص 356.
31. اصول و برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان، ص 59.
32. همان
33. همان، ص 60.
34. محمد علی سادات، رفتار والدین با فرزندان، ص 71.
35. اصول و برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان، ص 60.
36. سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، ص 39.
37. بقره: 286
38. بورلی نوئر فلدمن، فرزندان موفق، ص 76.
39. دان دینک میر و گری مکی، والدین مؤثر، فرزند مسئول، ص 118.
40. رفتار والدین با فرزندان، ص 54.
41. اصول و برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان، ص 100.
42. همان، ص 101.
43. صف: 3 و 2
44. محمد علی سادات، راهنمایی پدر و مادران، ج 2، ص 122.
45. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص 220.
46. علی اکبر پرهیزگار، تشویق و تنبیه کودکان، ص 110.
47. رفتار والدین با فرزندان، ص 54.
48. همان، ص 20.
49. محمد بن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج 15، ص 203.
50. یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، فروع من الکافی، ج 6، صص 52 - 51.
51. سید علی حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در تربیت فرزند، ص 114.
52. ابی جعفر بن علی ابن شهر آشوب السروی المازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 191.
53. علی بن الحسین بابویه القمی، خصال صدوق، ج 1، ص 301.
54. آنچه که والدین و مربیان باید بدانند (ویژه اولیا و مربیان)، ص 48.

55. سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) در تربیت فرزند، ج 1، ص 91.
56. بحارالانوار، ج 46، ص 56.
57. روابط سالم در خانواده، ص 97.
58. همان، ص 97.
59. زهرا معتمدی، رفتار با نوجوان، ص 72.
60. والدین مؤثر، فرزند مسئول، ص 118.
61. اسماعیل بیابانگرد، روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، ص 2.
62. محمد رضا شرفی، دنیای نوجوان، ص 368.
63. همان
64. رفتار والدین با فرزندان، ص 42.
65. راهنمایی پدران و مادران، ج 2، ص 151.
66. همان
67. رفتار با نوجوان، ص 29.
68. سید احمد احمدی، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، صص 232-233.
69. بحارالانوار، ج 21، ص 211؛ علی بن الحسین بابویه القمی، من لایحضر الفقیه، ج 4، ص 377.
70. حسین بن شعبه الحرانی، تحف العقول، ص 130.
71. دنیای نوجوان، ص 229.
72. محمد تقی فلسفی، گفتار فلسفی (جوان و بزرگ‌سال از نظر افکار و تمایلات)، ج 1، صص 48-49.
73. دنیای نوجوان، ص 309.
74. همان
75. محمد رضا شرفی، جوان و بحران هویت، ص 65.
76. دنیای نوجوان، ص 115.
77. یدالله جهانگرد، نحوه رفتار والدین با فرزندان، ص 91 با کمی تغییر.
78. رفتار والدین با فرزندان، ص 52.
79. مکارم الاخلاق، ج 1، ص 375.
80. علی قائمی، خانواده و مسائل نوجوان و جوان، ج 1، ص 254.
81. هنری پاول و دیگران، رشد و شخصیت کودک، ص 694.



82. وسائل الشیعه، ج 15، کتاب النکاح، باب 86، ص 198.

83. گفتار فلسفی، ج 2، ص 365.

84. شیخ صدوق، التوحید، ح 3، ص 357.

فهرست منابع

- * قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.
- * نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، 1365.
1. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، مؤسسه اسماعیلیان، 1383.
 2. السروی المازندرانی، ابی جعفر بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، بیروت، دارالاضواء، 1412.
 3. ادی استریت، «مشاوره خانواده»، ترجمه مصطفی تبریزی و علی علوی نیا، به نقل از: مجله معرفت، شماره 4، تیر ماه 1384.
 4. احمدی، احمد، روانشناسی نوجوانان و جوانان، مشعل، 1371.
 5. به پژو، احمد، اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان، رویش، 1376.
 6. بیابانگرد، اسماعیل، روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، انجمن اولیاء و مربیان، 1382.
 7. بابویه القمی، علی بن الحسین، من لایحضر الفقیه، جامعه المدرسین فی الحوزه علمیه، 1404.
 8. _____، خصال صدوق، [ابی‌جا]، علمیه اسلامیة، بی‌تا.
 9. پرهیزگار، علی اکبر، تشویق و تنبیه کودکان، [ابی‌جا]، زیتون، 1383.
 10. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، انتشارات دانشگاه تهران، 1373.
 11. جهانگرد، یدالله، نحوه رفتار والدین با فرزندان، انجمن اولیاء و مربیان، 1382.
 12. الحرانی، حسین بن شعبه، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، علمیه اسلامیة، 1363.
 13. الحرالعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت، لبنان، 1416.
 14. _____، تفصیل وسائل الشیعه، العربی، بیروت، 1416.
 15. حسینی، سید داود، روابط سالم در خانواده، دفتر تبلیغات اسلامی، 1387.
 16. حسینی زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در تربیت فرزند، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، 1380.
 17. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روانشناسی رشد، تهران، سمت، 1375.
 18. دینک میر، دان و مکی گری، والدین مؤثر، فرزند مسئول، مجید رئیس دانا، رشد، 1375.
 19. رهنمایی، سیداحمد، آشنایی با اصول و فنون مشاوره، مؤسسه آموزشی - پرورشی امام خمینی (ره)، 1385.

20. سادات، محمدعلی، رفتار والدین با فرزندان، انجمن اولیاء و مربیان، چاپ دوم، 1372.
21. سادات، محمدعلی، راهنمایی پدر و مادران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1374.
22. شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، تربیت، 1372.
23. _____، جوان و بحران هویت، سروش، 1380.
24. طبرسی، سید ابراهیم میرباقری، مکارم الاخلاق، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1365.
25. فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی (جوان و بزرگسال از نظر افکار و تمایلات)، معارف اسلامی، 1352.
26. فرهادیان، رضا، تربیت برتر، دفتر تبلیغات اسلامی، 1375.
27. فلدمن، بورلی نوئر، فرزندان موفق، ترجمه مهرزاد صالحی، سرمدی، 1379.
28. قائمی، علی، خانواده و مسائل نوجوان و جوان، شفق، 1361.
29. قمی، عباس، سفینه البحار، بیروت، دارالمرتضی، بی تا.
30. کلینی رازی، یعقوب بن اسحاق، فروع من الکافی، دارالکتب الاسلامیه، 1367.
31. _____، اصول کافی، بی تا، بی جا.
32. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مکتب الاسلامیه، 1395 ق.
33. معتمدی، زهرا، رفتار با نوجوان، لک لک، 1372.
34. نوایی نژاد، شکوه، سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، انجمن اولیاء و مربیان، 1380.
35. هنری پاول و ماسن، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، نشر مرکز، 1380.